

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری
gholam.akbari@gmail.com
ادیتور: شهلا دانشفر
shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۰۹

۲۰ دی ۱۴۰۰
۱۰ ژانویه ۲۰۲۲



دوشنبه ها منتشر میشود

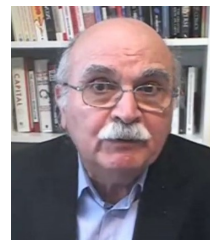
دیگر مطالب این شماره:
**بیانیه جمعی از سندیکاهای
مستقل کارگری و دیگر شکل
های مستقل کارگری،
بازنشستگان و معلمان در
مورد تعیین مزد سال ۱۴۰۱**

صفحه ۶

چند اطلاعیه حزب صفحات
۱۶ الی ۱۸

**حزب کمونیست
کارگری ایران به کمک
مالی شما نیازمند است!**
صفحه ۱۷

**به حزب
کمونیست
کارگری ایران
پیوندید!**



دومین سالگرد شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲

صفحه ۲

پیام حمید تقوایی به مردم آزاده ایران!

بکتاش آبتین جان باخت، زنده باد بکتاش آبتین!

سرمایه بیاید به غیر از آن هر چه بر سرش آمد سرمایه داری خودش را مسئول نمی داند. در جمهوری اسلامی نیز مقصر جلوه دادن خود مردم برای هر بدبختی ای که سر مردم می آید شیوه ای روتین است برای فرار از تبهکاری هایش هست.

خبر صفحه ۳

سرمایه داری اوج وسیعی گرفته و چهره زشت این به قول مارکس نفرین اجتماعی را بیشتر از پیش نمایان می سازد. این پدیده با هیچ دستوری به پایان نمی رسد چون مدام باز تولید می گردد. چرا که در سرمایه داری تا وقتی نفر مهم است که به کار استمار

همانگونه که انتظار می رفت تبهکاران حاکم به روش همیشگی شان در مقابل فجایعی که می آفرینند در قبال اتوبوس خوابی هم ابتدا آنرا بی اهمیت دانستند، بعد کلا منکر شدند و نهایتا هم دستور "جمع آوری" دادند. بی خانمانی پدیده ای است که در

**ما مردم
معتزیم نه بی
تفاوت (نگاه
به یک کارتون
مانا نیستانی)**

یاشار سهندی



صفحه ۴

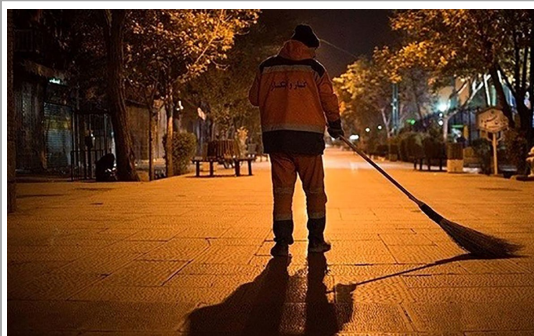
گردید و چه دلیلی داشت که دولت میخواست ۲ سال سن بازنشستگی را بیشتر کند؟

کاظم نیکخواه: اینکه دلیل اضافه کردن دو سال به سن بازنشستگی چه بود روشن است که در راستای

کارگر کمونیست: در لایحه بودجه ۱۴۰۱ بندی آمده بود که سن بازنشستگی را ۲ سال اضافه کنند، اما این روزها میثونیم که مجلس این بند را از لایحه بودجه حذف کرده است. بنظر شما چه عوامل و دلایلی باعث این عقب نشینی

**عقب نشینی
حکومت از
لایحه افزایش
سن بازنشستگی**

کاظم نیکخواه



"رفع شکاف طبقاتی در ایران؛ چرا و چگونه؟"؛ اما وقتی یادداشت ایشان را می خوانید متوجه می شوید نه برای رفع شکاف طبقاتی بلکه برای تعمیق آن راه حل ارائه داده است.

ایشان زمانی امیدش به "سید خندان" و دوم خرداد بوده که از

صفحه ۵

جامعه ای که در سال های اخیر می توان همزمان فقر مطلق را در کنار ثروت بی حد و حصر در خیابان ها و ساختمان ها و دیگر محیط های آن به نظاره نشست. آنچه که نوشته اخیر را برجسته می کند این است که ادعا دارد که راه حل مسئله را دارد حتی در عنوان این یادداشت آنرا انعکاس داده:

هشدار میدهند که "حواستان هست دارید جامعه را کجا میرید!" و هشدار میدهند شورش گرسنگان در راه است. آخرین تحلیل از این گونه از سوی نجات بهرامی (که این اواخر مورد توجه رسانه های بورژوازی قرار گرفته) در یادداشتی در سایت رادیو فردا بیان شده است. این بار اما نه برای هشدار شورش گرسنگان بلکه برای فشار بیشتر بر گرسنگان!

نجات بهرامی یادداشت خود را اینگونه شروع میکند: "شاید کمتر کسی در این نکته تردید داشته باشد که جامعه ایران به شکاف طبقاتی و اختلاف درآمد فاحش میان خانواده ها مبتلاست؛

**کدام راه حل؛
تنازع بقاء یا
زندگی انسانی**

یاشار سهندی

"شکاف طبقاتی"، "فاصله طبقاتی" با وجود حاکمیت سیاه رژیم اسلامی سرمایه کاملاً عیان شده است و دیگر نمی شود تحت پوشش مثلا "رشد طبقه متوسط" و یا چیزی شبیه اینها که مدام توجیه گران ستم سرمایه داری بیان می کنند، پنهانش کرد. بارها از این کارشناس و از آن استاد اقتصاد و فلان دکتر جامعه شناسی یا بهمان شخصیت سیاسی شنیده ایم که به سران حکومت اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



پیام حمید تقوایی

به مردم ایران بمناسبت دومین سالگرد شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲

مردم آزاده ایران!

در دومین سالگرد جنایت هولناک و بیسابقه شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲ یاد عزیز ۱۷۶ نفر قربانیان این جنایت را با بلند کردن فریاد اعتراضمان علیه جانان حاکم بزرگ میداریم.

در طی دو سال گذشته ما خانواده های ۱۷۶ قربانی این فاجعه، فعالین جنبش دادخواهی، و همه ما مردم معترض اجازه نداده ایم جهان این جنایت را فراموش کند. در اردیبهشت امسال دادگاه عالی ایالت انتاریو پرونده شلیک به هواپیمای پرواز ۷۵۲ را مورد بررسی قرار داد، این فاجعه را اقدامی عامدانه و تروریستی دانست و مشخصا خامنه ای و سران سپاه را بعنوان مسئولین مستقیم این جنایت غیبا محاکمه و محکوم نمود.

بدنبال حکم دادگاه عالی انتاریو، دادگاه آبان تریبونال، با شهادت جسورانه و کوبنده مادران آبان، و دادگاه حمید نوری که هم اکنون در شهر استکهلم در جریان است، نمونه های بارز پیشروی جنبش دادخواهی و جنبش سرنگونی طلبانه همه ما مردم علیه جمهوری اسلامی است.

اکنون مردم جهان نیز بر آنچه از همان لحظه شلیک به هواپیمای ما مردم ایران میدانستیم و با صدای بلند فریاد میزدیم واقف شده اند.

این دستاوردها برای انجمن خانواده های قربانیان پرواز ۷۵۲، برای کل جنبش دادخواهی و جنبش گسترده همه ما مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی

و به محاکمه کشیدن سران حکومت، یک گام مهم به پیش است.

جمهوری اسلامی در قتل و آدمکشی پرونده قطوری دارد. از اعدامهای جمعی تا شلیک به تظاهراتهای حق طلبانه، و از ترور مخالفین در خارج و داخل کشور تا کشتار کولبران، اسیدپاشی بروی زنان، و شلاق و شکنجه و "خودکشی" کردن هر روزه در زندانها. شلیک به هواپیمای مسافربری برگ سیاه دیگری در این کارنامه ننگین جمهوری اسلامی است. جنایت آشکاری که مطلقا با هیچ بهانه و عذر و توجیهی قابل انکار و پرده پوشی نیست. اجازه نمیدهیم جهان این جنایت هولناک را فراموش کند. نه میبخشیم، نه فراموش میکنیم.

مردم آزاده ایران!

در دومین سالروز جانباختن قربانیان جنایت رژیم در ۱۸ دی ۱۳۹۸ یکبار دیگر عهد میندیم که تا تحقق شعار دانشجویان قهرمان در دیماه ۹۸، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، از پای نخواهیم نشست. دور نیست روزی که جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم و خامنه ای و رئیس و دیگر جلالدان حاکم را به جرم جنایت بیشمارشان علیه مردم ایران و منطقه به داگاههای مردمی بسپاریم.

پیروزی از آن ماست.

حمید تقوایی

۱۳ دیماه ۱۴۰۰، ۳ ژانویه ۲۰۲۲



پیام حمید تقوایی به مردم آزاده ایران!

بکتاش آبتین جان باخت، زنده باد بکتاش آبتین!

برخاسته اند، و امروز فریاد اعتراض و شعارهای کوبنده ما مردمی که در مراسم باشکوه خاکسپاری او گرد آمده بودیم تنها اولین گامها در حرکت عظیمی است که در دادخواهی از قتل بکتاش آبتین آغاز شده است. جنبش دادخواهی موج بنیان کنی است که هر روز سهمگین تر خواهد شد و تا در هم کوبیدن نظام آدمکش جمهوری اسلامی از پای نخواهد نشست.

ما مردم ایران نه می بخشیم و نه فراموش میکنیم. زندگی بکتاش آبتین سراسر مبارزه با دستگاه جهنمی سرکوب و سانسور و اختناق بود. مرگ او را نیز به ضربه ای دیگری به کل نظام آدمکش جمهوری اسلامی بدل میکنیم. بکتاش عزیز خود میگفت: "آنها سعی کردند ما را دفن کنند، نمی دانستند که ما بذر بودیم". بذری که بکتاش آبتین ها کاشته اند به درخت تناوری تبدیل خواهد شد که طومار کل نظام ضدانسانی حاکم را در هم خواهد پیچید.

گرامی باد یاد عزیز بکتاش آبتین!

سرنگون باید نظام آدمکش جمهوری اسلامی!

حمید تقوایی

۱۹ دیماه ۱۴۰۰، ۹ ژانویه ۲۰۲۲

جانباختن بکتاش آبتین، شاعر و فیلمساز آزادیخواه و عضو مبارز کانون نویسندگان ایران را به خانواده گرامی او، به کانون نویسندگان ایران و به همه مردم آزاده صمیمانه تسلیت میگویم.

بکتاش آبتین در اثر بیماری کرونا اما بدست جنایتکاران حاکم کشته شد. این نمونه بارز قتل عمد دولتی است که از جانب مردم بپاخاسته ایران و آزادیخواهان در سراسر جهان بی جواب نخواهد ماند. مرگ بکتاش عزیز برآمد تازه ای در دل جنبش دادخواهی است؛ فریاد اعتراض به این جنایت همراه و همبسته با اعتراضات پیگیر و قهرمانانه مادران آبان، مادران خاوران، و خانواده های قربانیان شلیک به هواپیمای پرواز ۷۵۲ همه ما مردمی است که دیگر نمیخواهیم و نمی توانیم این زنجیره جنون آدمکشی را تحمل کنیم.

موج اعتراض به این جنایت از هم اکنون آغاز شده است. تحصن اعتراضی هم بدندان بکتاش آبتین در زندان با شعار مرگ بر خامنه ای، بیانیه ها و اعلام همبستگی های پرشور کانون نویسندگان ایران، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان، نهادها و چهره های سرشناس جنبش کارگری، شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران، و هزاران هزار مردم معترضی که با پیام "قتل_عمد_آبتین" در مددیای اجتماعی به مقابله با جانان حاکم

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



ما مردم معترضیم نه بی تفاوت (نگاهی به یک کارتون مانا نیستانی)

صفحه ۱

اتوبوس خوابی در تهران انعکاس وسیعی داشت و کارتونیست هایی نیز هم به فراخور حالشان این را انعکاس دادند. از جمله ایشان مانا نیستانی بود. و ایشان در آنچه به تصویر کشیده بار دیگر تاکید می کند که آنچه بر سر مردم ایران آوار شده نه وجود حکومت اسلامی بلکه نتیجه بی تفاوتی خود مردم است.

از جمله مانا نیستانی در یکی از آخرین کارهای منتشره شده اش در سایت "دویچه وله" به "اتوبوس خوابی" پرداخته است. او نیز در مقابل این فاجعه که مسبب آن تنها حکومت اسلامی و سرمایه داری است، در این کارتون این پدیده را به بی تفاوتی مردم نسبت داده است. در این کارتون مردمانی فقیری به تصویر کشیده شده اند که بی

توجه به زیرپایشان تنگ هم از میله اتوبوس آویزان هستند و پا روی تن اتوبوس خوابی گذارده اند. حتی آن کسی که معلوم است چند وقت دیگر نوبت اوست به این روز بیفتد، توجهی به وضعیت ندارد. و این اولین بار نیست که مانا نیستانی در مواجهه با فجاج رخ داده، مردم را مسبب آن معرفی میکند. در این رابطه میتوان به کارتونی از ایشان اشاره کرد که در هنگام قتل فجیع دخترک نوجوان، رومینا اشرفی که بوسیله پدرش با داس به قتل رسید. در آن کارتون این قتل تماما به این ربط داده شد که این مردم هستند که با حرفهایشان موجبات قتل رومینا اشرفی را فراهم آوردند و داس را به دست پدر دادند و فراموش شد که این مردم مگر در چه شرایطی زندگی می کنند؟ آیا

مگر جز این نیست که از همان کودکی در گوش همه خوانده اند که زن ناموس مرد است و بنابراین سزاست که برای دفاع از ناموس هر گونه خشونت حتی کشتن به فجیع ترین شکل اجرا شود.

پدیده اتوبوس خوابی (بی خانمانی) در شرایط حاکم بر ایران نه نتیجه بی اعتنائی مردم بلکه دستاورد نظام سرمایه داری اسلامی حاکم است. این کمال بی انصافی است که مردمی که به اشکال مختلف در مبارزه با حاکمیت سپاه رژیم اسلامی سرمایه هستند اینگونه بی توجه و بی رحم نشان داده شوند. این مردم یا ما مردم دیگر باید چه بکنیم که به برخی ثابت شود که مصیتهایی که مانند یک آوار سنگین ما را دچار رنج و محنت کرده نه نتیجه اعمال ما و بی تفاوتی خودمان بلکه نتیجه کارکرد نظام طبقاتی سرمایه داری و مصیبت بار ترین اش، نوع اسلامی و غارتگر آن است.

ما مردم چرا باید یکی از در بخوریم یکی از دیوار؟ ما مردم گرفتار، که همیشه هشت مان گره نهم مان هست و از آن بدتر دیگر چیزی نداریم که گرو چیزی دیگر باشد، باید تاوان سیاستهای حکومت فاشیست اسلامی را هم بدهیم و این چنین تحقیر شویم که در کارتونی این چنینی به تصویر کشیده شده ایم.

در واقعیت امروز جامعه ایران اما مردم بارها به صورت توده ای و سراسری دست به اعتراض زده اند. کارگران در بخشهای مختلف هر روز در کار اعتراض و اعتصاب هستند. بازنشستگان فریادشان به آسمان بلند است. کشاورز، معلم، زنان، مادران دادخواه، زندانیان سیاسی، دانشجویان و و... همگی در اعتراض هستند، و به شرایطی اعتراض دارند که یکی از عوارض اش اتوبوس خوابی است.

همین مردم ظاهرا مفلوک

در چهار دهه گذشته و مشخصا از دی ماه ۹۶ به این سو در تلاش بودند که این بختک اسلامی را از زندگی خود بردارند. این مردم خواستار این هستند که منزلت شان رعایت شود. کرامت انسانی را حق مسلم خود می دانند و این را همیشه در اعتراضاتشان در شعارهایشان انعکاس داده اند. و همین مردم کارتونیست ها را بارها وادار کرده اند که قدرت شان را به تصویر بکشند (مانا نیستانی خود بارها قدرت مردم را به بهترین شکل در کارهایش انعکاس داده است)؛ اما آنچه در کارتون فوق به تصویر در آمده چهره واقعی ما مردم ایران نیست. مردمی که در کف خیابان معیشت و منزلت خود را فریاد می زنند. حق خود را زندگی شرافتمندانه و انسانی میدانند و برای آن هزینه سنگینی در طول چهار دهه داده اند و دور نیست به آن برسند.*

سرنگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!



عقب نشینی حکومت از لایحه افزایش سن بازنشستگی

صفحه ۱ همان

سیاست دزدی و چپاول حکومت و سرمایه داران مفتخور است. حکومت میخواست یک مقدار بیشتری از سفره فقیرانه کارگران و معلمان و کل کارکنان جامعه بلزدد و دو سال کمتر به آنها حقوق و مستمری بازنشستگی بدهد. آنهم در شرایطی که بازنشستگان بشدت زیر فشار فقر هستند و مدتهاست که هر روز دارند اعتراض و تجمع میکنند و فریاد میزنند که با این حقوقهای زیر خط فقر نمیتواند زندگی کنند. کارگر و معلم و پرستار بازنشسته نمیتواند برود دو شغله و سه



شغله کار کند تا نان شیش را تامین کند. آنطور که الان در مورد خیلی از کارگران و معلمان و دیگر کارکنان شاهد هستیم. در نتیجه باید بطور واقعی محرومیت و گرسنگی بکشد. باید از درمان و دارو و غذا محروم بماند. این بسیار فاجعه بار و ضد انسانی است که در این کشور بازنشستگان را به چنین وضعیتی محکوم کرده اند. آنچنان فشاری روی گروه بازنشستگان گذاشته اند که بازنشسته در سنین بالا و با هزار مشکل و بیماری مجبور است برای دفاع از زندگیش هر روز به خیابان بیاید و فریاد بزند. کارگر نشینی شان هم روشن است که اعتراضات هر روزه بازنشستگان و کارگران و معلمان است که همین روزها شاهد بودیم که برای نمونه معلمان در ۱۵۰ شهر دست به اعتصاب زدند و بر خواستهای خود تاکید کردند. یک موضوع اعتراض بازنشستگان به همین لایحه

بودجه است که چرا بودجه ای برای همسان سازی حقوقها اختصاص داده نشده و حتی حکومتیان خزعبلات می بافند که افزایش مستمری بازنشستگان باعث تورم میشود! بازنشستگان خواهان افزایش حقوق به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه هستند که خط فقر اعلام شده در سال قبل است. در این جامعه یک جنگ آشکار و عیان میان بخشهای مختلف مردم و حکومت مفتخوران سرمایه دار حاکم است. یک عرصه مهم این جنگ مبارزه علیه دزدیها و اختلاسهاست. و کارگران و بازنشستگان و معلمان فعالترین بخش این مبارزه را تشکیل میدهند و هر روز دارند اعتصاب و تجمع و سخنرانی و اعتراض میکنند. جمهوری اسلامی زیر فشار جدی این اعتراضات قرار دارد و در این مورد هم خود را ناچار به عقب نشینی دید. چون میتوانست روی اعتراضات گسترده اجتماعی بنزین بپاشد و به فوران خیزشهای گسترده و غیر قابل کنترل علیه حکومت منجر شود.*

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت تلویزیون کانال جدید: www.newchannel.tv

سایت روزنه: www.rowzane.com

سایت کارگر کمونیست

www.wpiran.org/kargar_komonist

پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی ممنوع!

کدام راه حل؛ تنازع بقاء یا زندگی انسانی

صفحه ۱

آن سالها در کتابی به عنوان سراب یاد کرده است، اما گویا ناامید نشده و در دولت "شیخ دیپلمات" به معاونت وزیر آموزش و پرورش منصوب می شود که آتش ظاهرا با باندهای دیگر حکومت توی یک جوی نمی رود و سر از زندان اوین در می آورد و کارش به بازجویی و شکنجه می رسد. بعد از رهایی برای در امان ماندن از شر جلادان مجبور به خروج از کشور شده است. همه این سیر امید و ناامیدی ایشان را به اینجا رسانده که جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست داده و گر نه راه حل رفع شکاف طبقاتی در فلاکت بیشتر مردم است!

به نظر ایشان مشکل اصلی این است که حکومت باید "در اوج مشروعیت باشد" که جمهوری اسلامی نیست. ایشان که خیلی دور اندیش تر از این حرفهاست اطمینان می دهد در جریان آزادی سازی، فساد هم پیش می آید! اما قول می دهند که "فساد ناشی از آزادسازی دوره معینی دارد و مستمر و همیشگی نیست." (البته این دوره معین می تواند از یک روز تا صد سال هم طول بکشد!؛ البته برای "کاهش چنین عوارضی" شرط گذاشته اند که "به دو مؤلفه عزم و مشروعیت نیاز" است. مشروعیت که دانستیم چیست اما عزم، تماما به این تاکید دارد که "غیر از آزاد سازی" یعنی هجوم وحشیانه به معیشت و منزلت توده کارکن جامعه "هیچ راه حل شناخته شده ای برای حل طولانی مدت چنین مشکلی (شکاف طبقاتی) معرفی نشده یا جواب نداده است."

ایشان در همین یادداشت "مکانیسم بازار" (اسم رمز سرمایه داری) را از آواری که بر سر ۹۹ درصد جامعه خراب کرده اینگونه میرا میکند: "...در کشوری که بیش از ۸۰ درصد

اقتصاد آن در اختیار حکومت است و در زمره بسته ترین اقتصادهای دنیا طبقه بندی می شود، نمی توان مکانیسم بازار را عامل ایجاد شکاف طبقاتی تلقی کرد...". تا حالا همچنین توجهی به عقل هیچ اندیشمند برجسته اقتصادی نرسیده بود. ایشان پیشترها در مصاحبه ای با سایت حکومتی "انصاف نیوز" مدعی شده بوده که اصلا در ایران سرمایه داری نیست بلکه باید بوجدش آورد! خبرنگار از ایشان می پرسد: دلیل اقبال مردم به چه چیست؟ ایشان ابتدا از جواب طفره می رود و بعد می پرسد: "مگر ما در ایران اصلاً سرمایه داری داشتیم؟!)" بعد پای کسی دیگر را وسط میکشد (به روایه گفتند کو شاهدت؟ گفت دُم!): " آقای عبدی کلانتری که خودش چپ است یکبار گفت اگر چپها می خواهند چیزی را نقد کنند باید ابتدا کمک کنند که سرمایه داری به وجود بیاید تا چپ هم در ایران معنا پیدا کند؟!)" (؟!)" ظاهرا بهترین روش برای شکل گیری سرمایه داری (به روایت ایشان با تجربه انگلستان آخرین دهه قرن نوزدهم) اصل تنازع بقاء است و برای کسی که تنازع بقاء را به جامعه تعمیم

میدهد راه حل های مانند "آزاد سازی اقتصاد" بهترین روش است. ایشان در مصاحبه با انصاف نیوز به بهانه ترجمه کتابی به صراحت از اصل تنازع بقاء از زبان نویسنده کتابی که ترجمه کرده می گوید: "وقتی تکامل را به موضوعات اجتماعی تعمیم می دهیم نتیجه این می شود که ما نمی توانیم برای نهادهای اجتماعی تصمیم بگیریم و در آن دخالت کنیم. یعنی مخالفت با همان مداخلات سوسیالیستی در جامعه... در مسائل اجتماعی هم گونه ای قوی تر باقی می ماند و بقیه لاجرم حذف می شوند...". نتیجه اینکه هر جناحی از بورژوازی، از حاکم و از حکومت رانده شده و اپوزیسیون راست، هر کدام به نوعی بر اصل تنازع بقاء اصرار دارند.

اینکه چپ در جامعه دست بالا را دارد یا بقول سایت حکومتی مورد اقبال جامعه واقع شده است (قابل توجه کسانی که دنبال آسیب شناسی سوسیالیسم هستند) به این دلیل است که جامعه ایران در سایه سیاه حکومت اسلامی به دردناک ترین شکل تجربه کرده که سرمایه داری بازار آزاد و غیر آزاد جز تباهی و فلاکت هیچ راه

حلی جلو روی جامعه نمی گذارد. شکاف طبقاتی را توده زحمتکش مردم با گوشت و پوست خود به معنای واقعی کلمه دارند لمس می کنند. بخش وسیعی از جامعه در مبارزه و اعتراض به این وضعیت در کف خیابان حق مسلم انسانی خود، منزلت و معیشت را فریاد می کنند. شکاف طبقاتی را مردمی که به فلاکت افتاده اند در یک شعار خلاصه کرده اند "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" و نوک اعتراضات شان مشخصا علیه طبقه حاکمه ای است که با انواع سیاستهای گوناگون از جمله "آزاد سازی اقتصاد" همه زندگی را غارت و چپاول کرده اند. و البته مردم معترض راه حلش را هم داده اند: اداره شورایی. راه حل شکاف طبقاتی دو گونه است یکی از طریق بقای قوی تر و حذف و نابودی ضعیف تر بر متن سرمایه داری بازار آزاد (که معلوم است چه نوع راه حل فاجعه باری است)، و دیگری از طریق آسایش و رهایی و زندگی انسانی کل جامعه بر اساس سوسیالیسم. و این دومی است که جامعه تشنه آن است و جز با نابودی سیستم سرمایه داری عملی نیست.*

نه به جمهوری اسلامی،

آری به جمهوری سوسیالیستی!

نه به حکومت مافوق مردم،

آری به حکومت شورائی!

نه به سرمایه داری،

آری به سوسیالیسم!

ایشان بعد از اینکه آمار و شواهدی از فلاکت و شکاف طبقاتی و فساد حکومت بیان کرده، تاکید می کند: "در نهایت می توان ادعا کرد که راه حل اصلی و مطمئن برای این معضل بزرگ همان آزادسازی اقتصاد و کاهش دخالت دولتی... و نزدیک شدن به اقتصاد بازار آزاد باشد." بله اقتصاد بازار آزاد قرار است از نظر ایشان شکاف طبقاتی را از بین ببرد! اگر آدم اسمیت در قرن نوزده این را میگفت هنوز آثارش را مردم و خودش تجربه نکرده بودند. اما ایشان امروز در دوره یکه تازی بازار آزاد دارد چنین ادعایی میکند. ایشان چون ظاهرا دور اندیش است از پیش جواب کسانی که خواهند گفت: "در زمان استیلای شرایط نابرابر و فقدان ساختار و نهادهای مدنی، قشر کارگر و کارمند و متوسط جامعه از هرگونه آزادسازی ضربه می بیند و شکاف موردنظر عمیق تر می شود" را داده و می گوید چیز مهمی نیست، سختی اش صد سال اول است!

بیانیه جمعی از سندیکاهای مستقل کارگری و دیگر تشکل های مستقل کارگری، بازنشستگان و

معلمان در مورد تعیین مزد سال ۱۴۰۱

تداوم نبردی سخت و نابرابر برای تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۱

ماه‌ها و هفته‌های آخر هر سال زمان از سرگیری نبردی نابرابر، دشوار و حیاتی به منظور تعیین حداقل مزد و افزایش سطح عمومی دیگر مزدها برای سال آینده است. در یک سوی این نبرد میلیون‌ها کارگر زن و مرد در رشته‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی قرار دارند که خواستار مزدی درخور در مقابل فروش نیروی کار خود هستند، مزدی که پاسخگوی هزینه‌های روزافزون زندگی و تامین کننده نیازهای فزاینده‌ی خود و خانواده‌هایشان باشد. در طرف دیگر این نبرد، سرمایه‌داران و دولت حامی آنها و عوامل وابسته به کارفرمایان و دولت که زیر عنوان دروغین «نماینده کارگران» در «شورای عالی کار» قرار دارند که به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا آنجا که ممکن است سطح مزدهای واقعی، یعنی قدرت خرید کارگران، را پایین نگاه دارند و سهم هرچه بیشتری از تولید اجتماعی کارگران را به تصاحب سرمایه در آورند.

در ایران طی بیش از ۴۰ سال شاهد کاهش شدید و مستمر قدرت خرید کارگران و در همان حال انباشت عظیم ثروت و سرمایه‌ی سرمایه‌داران و افزایش نجومی درآمد طبقات دارا به طور کلی بوده‌ایم. علت اصلی این شکاف وسیع و روزافزون طبقاتی، استثمار کار توسط سرمایه است که دستگاه‌های سیاسی، قضایی، اداری و انتظامی نظام

سرمایه‌داری آنرا به پیش می‌برند. با توسل به اختناق و سرکوب از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری که لازمه دفاع از حقوق کارگران است جلوگیری می‌شود و برای اینکه اعتراضات کارگران کنترل شود، تشکل‌های کارگری فرمانبردار و عقیم مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و حضور نمایندگان آنرا در شورای عالی کار پیش‌بینی و جایگزین کرده‌اند تا ضمن به تصویب رساندن تصمیمات ضدکارگری نهاد قدرت، سوپاپ اطمینانی برای آنها باشند.

مزد ساعتی کارگران در ایران جزء پایین‌ترین مزدها در جهان است. یک عامل مهم دیگر که زندگی کارگران و اکثریت ۹۵ درصدی مردم را به تباهی می‌کشد، تورم یعنی افزایش عمومی و مستمر قیمت‌ها، بویژه قیمت کالاها و خدمات مصرفی توده مردم است. عامل اصلی تورم در ایران، که اکثر اقتصاددانان و حتی برخی از مقامات رسمی نیز به آن اذعان دارند، سیاست‌های پولی و مالی دولت و عملکرد نظام حاکم در عرصه داخلی و خارجی است.

بر اساس آمارهای رسمی، طی ۴۲ سال گذشته شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی عمومی تقریباً ۲۵۰۰ برابر شده است! اگر صرفاً چند سال اخیر را در نظر بگیریم براساس داده‌های رسمی نرخ تورم در سال ۹۷، معادل ۳۱ و دو دهم درصد، در سال ۹۸، معادل ۴۱ و دو دهم درصد، و در سال ۹۹

معادل ۳۶ و چهار دهم درصد بوده است. رقم تورم سال ۱۴۰۰ هنوز اعلام نشده است اما طبق داده‌های مرکز آمار، نرخ تورم در مهر ۱۴۰۰ برابر ۴۵ و چهاردهم درصد و در آبان ماه ۱۴۰۰، برابر ۴۴ و چهاردهم درصد بوده است. بدین‌سان نرخ تورم رسمی برای سال ۱۴۰۰ رقمی در حدود ۴۵ درصد خواهد بود. در سال جاری افزایش قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی از ۶۰ درصد هم بیشتر بود. هزینه مسکن بنا به اعتراف مقامات رسمی بیش از نیمی از درآمد خانوارهای فقیر و متوسط را می‌بلعد. نرخ تورم مورد انتظار در سال ۱۴۰۱ با توجه به سیاست‌های ارزی و پولی دولت، حداقل به ۴۰ تا ۵۰ درصد خواهد رسید.

به رغم این ارقام وحشتناک که در دنیا کم نظیرند، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ میانگین افزایش اسمی حقوق کارکنان دولت معادل ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است. سقف مزد حداقل ماهیانه چهار و نیم میلیون تومان منظور شده که به زحمت هزینه زندگی یک هفته خانوار متوسط را تأمین می‌کند. این سیاست دولت نه تنها دزدی نان از سفره میلیون‌ها کارگر زحمتکش شرکت‌های دولتی، دستگاه‌های آموزشی و بهداشتی و درمان و دیگر مؤسسات عمومی است، بلکه در همان حال پیام و «سرمشقی» به بخش خصوصی و همچنین به «شورای عالی کار» است که همین

سیاست کاهش مطلق مزدهای واقعی را در مورد کارگران و کارمندان بخش خصوصی به کار گیرند! ما طی سال‌های گذشته سیاست کارفرمایان، دولت و کسانی را که به دروغ نام نماینده کارگران در «شورای عالی کار» بر خود نهاده‌اند و در واقع شریک جرم کارفرمایان و دولت در وخامت روزافزون زندگی کارگران هستند، نقد و افشا کرده‌ایم.

ما همچنین در سال‌های گذشته معیار و مبنایی برای حداقل مزد پیشنهاد کرده‌ایم که مورد تأیید و پشتیبانی شمار فزاینده‌ای از تشکل‌های کارگری و مدافعان طبقه کارگر قرار گرفته است. از دید ما حداقل مزد کارگران در سراسر کشور نباید از میانگین هزینه خانوار در کشور پایین‌تر باشد. براساس چنین معیاری ما در دی ماه سال ۱۳۹۹ مبلغ دوازده میلیون و پانصد هزار تومان در ماه را برای حداقل مزد سال ۱۴۰۰ پیشنهاد کردیم. واقعیات زندگی، درستی پیشنهاد ما را نشان دادند! اکنون نیز براساس همان معیار و با توجه به تورم افسار گسیخته‌ی جاری، که نشانی از توقف یا کاهش آن دیده نمی‌شود، اعلام می‌کنیم که مزد حداقل سال ۱۴۰۱ نباید از ۱۶ میلیون تومان در ماه کمتر باشد.

ما به همه کارگران مزدی رشته‌های مختلف صنعت، معدن، راه و ساختمان، حمل و نقل، بندرها، شرکت‌های کشت و صنعت و غیره، به همه معلمان

زحمتکش و شریفی که پیش از مبارزه برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و ارتقای امر آموزش هستند، به همه کارکنان بهداشت و درمان که صدها قربانی در انجام پیکار قهرمانانه خود به ضد کرونا دادند، به همه کارکنان دفتری بخش‌های عمومی و خصوصی، به تمام بازنشستگان و به طور کلی به همه مزد و حقوق و مستمری بگیران پیشنهاد می‌کنیم. خواست حداقل مزد ۱۶ میلیون تومان در ماه را به خواست محوری مبارزات خود در ماه‌های آینده تبدیل کنند. ما از دانشجویان مبارز، روشنفکران پیشرو، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان متعهد دعوت می‌کنیم از مبارزات کارگران برای افزایش مزد بر اساس حداقل دستمزد ۱۶ میلیون تومان در ماه، پشتیبانی کنند. ما همه این نیروها را به ایجاد تشکل‌های مستقل خود و مبارزه متحدانه برای دسترسی به خواست‌هایشان دعوت می‌کنیم. ما همچنین خواستار مقاومت همه کارگران علیه سیاست‌های ضدکارگری مانند مزد منطقه‌ای، مزد توافقی، حذف دستمزد حداقل و برقراری نظام استاد-شاگردی هستیم.

ما به تمام کارگران، تشکل‌های کارگری و مدافعان منافع طبقه کارگر می‌گوییم که تغییر واقعی و بهبود اساسی زندگی مادی و معنوی آنها در گرو تغییر اساسی روابط اقتصادی-

... در مورد تعیین مزد سال ۱۴۰۱

صفحه ۶

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم است و چنین تغییری را هیچ کس به جای آنها انجام نخواهد داد. انجام چنین تغییر بزرگی تنها در صورتی امکان پذیر است که میلیون‌ها کارگر، متحد و متشکل شوند. اکنون سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها هم اهرم‌های اقتصادی و قدرت‌های قضایی، قانون‌گذاری و اجرایی یعنی اداری، نظامی، انتظامی و امنیتی را در دست دارند و برای حفظ موقعیت و امتیازات خود و فرودست نگاه داشتن کارگران از آنها بهره می‌گیرند. طبقه کارگر در این نبرد نابرابر چیزی جز عده بزرگ جمعیت خود ندارد. اما عده زیاد هنگامی کارایی دارد که با هدف روشن و درست و به صورت متحدانه و سازمان یافته عمل کند. راه چاره‌ی کارگران اتحاد و تشکل است.

برای تغییر واقعی و بهبود اساسی با تکیه بر نیروی خود دست به کار شویم!

۱۷ دی ۱۴۰۰

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر
- گروه اتحاد بازنشستگان
- کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- کمیته پیگیری ایجاد

از مدیای اجتماعی

ناهدید خداجو

با حقوقان بسازید تا تورم کاهش یابد!



نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس می‌گوید افزایش حقوق ۱۰ درصد است و مردم بهتر است با این شرایط بسازند تا تورم مقداری کاهش پیدا کند.

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرده افزایش حقوق ۱۰ درصد است و مردم باید با شرایط فلاکت

بار فقر، گرسنگی، گورخوابی، کارتن خوابی، متاسفانه اخیراً اتوبوس خوابی هم به آن اضافه شده کنار بیابند و سکوت کنند تا آنها براحتمی بتوانند جیب‌های مردم را بیشتر و بیشتر خالی کنند از مردم می‌خواهند فقر و گرسنگی را فحشارا، اعتیاد جگر گوشه هایشان را، خودفروشی زنان بدلیل فقر

نگرفتند و همیشه در حال اعتراض در ابعاد وسیع نسبت به فقر و بی حقوقی و اختلاس و دزدی زندگیشان کف خیابان بوده و اعتراضات وسیعی داشته اند و فقر و گرسنگی و عدم آزادی را فریاد میکشند و زندگی به یغما رفته شان، بهتر بگویم سهمشان را از زندگی می‌خواهند اما شما براحتمی بدون هیچ شرمی با سرکوب مدام و مستمرتان و با حربه‌های پوچ و ساختگی تان مردم را مورد تعرضات شدید و زندانها را در ابعاد وسیعی جهت سرکوب سیستماتیکی که می‌خواهید مردم را با آن عقب برانید سازمان دادید.

اقای رئیس، اگر تصورتان از مردم اینست که بعد از چهل و چند سال فشار و بدبختی و فقر و نداری با توصیه شما و ادار به سکوت میشوند تصور واهی و باطلی است.

مردم بزرگواری ما نیک میدانند که بانی و باعث تمام

مطلق را، زباله گردی را، کودکان کار را، تورم و گرانی لجام گسیخته را بپذیریم و سکوت کنیم تا حکومتیان بتوانند ته مانده‌های سفره هایمان را اگر ته مانده ای باقی مانده باشد را به غارت ببرند و لب به اعتراض نکشیم، نه، اقای نایب رئیس اینگونه نیست که شما بتوانید مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت و آنها را به سکوت وادارید. مردم فهمیم ایران از همان روزهای اول که دریافتند زندگیشان دستخوش چه فاجعه ای شده و چگونه رفته رفته به قهقرا کشیده شدند تا امروز که زندگی وهستی شان را به گرو گرفته اید یک روز آرام

فقر و بدبختی و اینهمه نابهنجاری های اجتماعی و تمام فلاکتی که بر آنها تحمیل شده وجود خود حکومتی است که از بدو ورود مردم را با تمام این نابهنجاریهایی که به آن اشاره شد درگیر و آنها را محکوم به چنین زندگی که دیگر تحملش برای مردم غیر ممکن شده و با توصیه و نهائینا سرکوب و ادار به سکوت نمیشوند و جالب اینکه می‌خواهید تورم را با اینهمه اختلاسها و دزدیهای چندین ساله از جیب مردم همچون همیشه کنترل کنید البته چنین توصیه ای بیشتر به جوک درد ناکی شبیه است که قلب هر انسانی را جریحه دار میکند.

نه اقای رئیس سخت در اشتباهید برگرفته از صفحه اینستاگرام ناهید خداجو

از مدیای اجتماعی

درمان قسطی!

«صاحب یک داروخانه قدیمی در جنوب تهران، دفترچه‌ای را ورق می‌زند و ۵ صفحه نشانم می‌دهد از فهرست نسبه‌بگیرهای دارو؛ ۳۷ نفر. جلوی اسم هر نفر، رقم بدهکاری‌اش را نوشته؛ ۱۰۰ هزار تومان، ۴۵۰ هزار تومان، ۷۵۰ هزار تومان، ۴ میلیون و ۳۲۷ هزار تومان... صاحب داروخانه، ساکن همان محل است، نسبه‌بگیرها هم اغلب، ساکن همان محل. همه را می‌شناسد.» این بخشی از گزارش روزنامه اعتماد است که بر اساس آن برخی به درمان قسطی روی آورده‌اند.



از مدیای اجتماعی

نه به حکومت مافوق مردم، آری به حکومت شورائی!

اطلاعیه خبری

تجمعات کارگران پتروشیمی مارون، سد کارون، رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد، رانندگان اتوبوسهای شهری ارومیه و سد سفارود



- روز دوشنبه ۲۰ دیماه کارگران پتروشیمی مارون در اعتراض به سطح پایین حقوق و مزایای شغلی خود دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کردند. بنا بر خبر حراست شرکت کارگران اعتصابی را به اخراج تهدید کرده است و کارگران با ادامه اعتراضشان پیگیر مطالبات خود هستند.

موضوع این کارگران نزدیک به سه سال است که بدنبال شکایاتشان حکم دادگاه نیز گرفته اند ولی ترتیب اثری داده نشده است.

- روز دوشنبه ۲۰ دیماه جمعی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان ریاست جمهوری در خیابان پاستور تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد با شعارهایشان مطالبات خود را فریاد زدند. یک خواست مهم این رانندگان انحلال شرکت های خصوصی به عنوان یک شکل آشکار تشدید استعمار بر

رانندگان و ناامن کردن شرایط کاری شان است. رانندگان شعار میدادند: "تا حقوق ندادند استارت نزن راننده"، "شرکت‌های خصوصی منحل باید گردد"، "سختی کار و بیمه حق مسلم ماست"، "بازسازی اتوبوس حق مسلم ماست"، "یارانه کارت بلیط حق مسلم ماست".

- ظهر روز یکشنبه ۱۹ دیماه رانندگان اتوبوس های شهری ارومیه در اعتراض به عدم تمدید قرارداد و عدم پرداخت مطالبات خود و خلف وعده ها توسط شهرداری ارومیه برای چندمین بار متوالی دست از کار کشیدند. خواست آنها انتقال سند اتوبوس پس از اتمام تعهد ۱۰

ساله رانندگان به آنان، و واریز شدن مابقی یارانه بلیت از سوی شهرداری ارومیه به حساب بهره‌برداران است. در آذر ماه سال گذشته بود که این رانندگان در پی پرداخت نشدن مطالباتشان، دست به تجمع زدند و زیر فشار اعتراضات رانندگان رئیس شورای شهر ارومیه در جمع آنان حاضر شد و وعده پرداخت مطالبات آنان بصورت تقسیمی و ماهانه به حساب بهره‌برداران بخش خصوصی را داد. در آن مقطع بخشی از مطالبات رانندگان در دو مرحله به حساب بهره‌برداران واریز شد. ولی این امر تداوم نیافت و با گذشت چند ماه، بار دیگر بهره‌برداران بخش

خصوصی سازمان اتوبوسرانی در اعتراض به این وضعیت، دست به تجمع زده و از کار دست کشیدند.

- روز دوشنبه ۲۰ دیماه اعتصاب کارگران سد سفارود رضوانشهر که به دلیل عدم پرداخت ماه های متوالی از حقوقها جریان دارد وارد سیزدهمین روز خود شد و کارگران در مقابل در ورودی کارگاه سد تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ دی ۱۴۰۰، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۲

اطلاعیه خبری

مراسم خاکسپاری بکتاش آبتین با شکوه برگزار شد

به فراخوان کانون نویسندگان ایران مراسم خاکسپاری بکتاش آبتین این شاعر و فیلمساز رزمنده و آزادیخواه و عضو این کانون ساعت سه بعد از ظهر امروز نوزدهم دیماه علیرغم حضور وسیع نیروی انتظامی در محل امامزاده عبدالله در شهری برگزار شد.

شرکت کنندگان در این مراسم با شعارهای "درود بر آبتین مرگ بر ظالمین"، "آبتین زنده است راه او پاینده است"، "این شاعر آزاده، کابوس این بیداده" فریاد اعتراض خود را علیه

حکومت جنایتکار اسلامی و رها کردن عامدانه بکتاش آبتین در کام بیماری مرگبار در درون زندان و قتل خاموش وی با صدای رسا فریاد زدند. جمعیت همچنین در این مراسم سرود «قفس را بسوزان، رها کن پرندهگان را» (از سرودهای مشهور دوره شاه را دسته جمعی سر دادند).

زندانیان سیاسی بند هشت اوین نیز روز قبل با شنیدن درگذشت بکتاش آبتین دست به تجمع در محوطه زندان زند و شعار دادند: مرگ بر خامنه ای، مرگ بر اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

امروز هشتگ #قتل_عمدی_آبتین در مدیای اجتماعی و در همه گروههای اعتراضی بخش های مختلف جامعه در تلگرام داغ است و مردم بخاطر کشتار



مرخصی داده شده است. یک نگرانی کانون نویسندگان بازگرداندن رضا خندان به زندان بدون درمان بیماری اش و خطر جانی آن برای اوست.

کانون نویسندگان در بیانیه ای، پرونده سازی و قتل خاموش نویسندگان آزادی خواه را محکوم کرد و حکومت و وزارت اطلاعات و قوه قضاییه آن را مسئول مستقیم مرگ بکتاش آبتین دانست. کانون نویسندگان در این بیانیه بر بسته شدن پرونده های قضایی، آزادی کامل، بی قید و شرط و فوری اعضای دربند خود و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی تاکید کرد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دی ۱۴۰۰، ۹ ژانویه ۲۰۲۲



زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!



فقط جهت استثمار بیشتر نیروی کار و کارگر جهت پیشبرد اهداف سرمایه داری خود بر چپاول سلامتی و روح روان طبقه کارگر نهادینه شده اند.

اکنون به سمتی رفته‌ایم که در خیلی از کارها نتیجه مهم‌تر از وسیله شده در حالیکه در مجموع، کارگر تعهدی به نتیجه ندارد.

به عبارتی دیگر در وضعیت عادی کارگر موظف است در زمان مشخصی کار کند و بعد کار تعطیل می‌شود و چنانچه کارگر نتوانست کار را در همان زمان مشخص انجام دهد، به روز بعد محول می‌شود.

در واقع کار از جنس کارگری است ولی از ماهیت کارهای مقاطعه کاری که باید نتیجه را محقق کرد استفاده می‌شود. متأسفانه در صنعت هدف جایگزین وسیله شده و این وضعیت استثمار هرچه بیشتر نیروی کار را با خود به همراه دارد کارگرانی که به استثمار محض و مطلق کشیده شده اند.

از مدیای اجتماعی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نماد و
نماینده اتحاد و همبستگی همه بخشهای کارگران در صنعت
نفت...

گزارشی از منوچهر کارگر پتروشیمی مهر در فاز دو پتروشیمی منطقه ویژه عسلویه (overhaul) "کارگران شمعی که از هر دو طرف میسوزند"

کارگرانی که به جای آسمان آبی سقفی از ساندویچ پیتل، گریپینگ، تخته، بست و لوله در محیطی کاملاً امنیتی و نابرابر به دور از خانواده، مشغول در شرکت هایی که نه ساعت کاری مناسب با سلامت آنها و نه حتی با قوانین سازمان جهانی کار دارند. پیمانکاران و کارفرمایانی که به دنبال کارگران و نیروهای ارزان قیمت و سازمان نیافته هستند.

با ساعت های کاری روزانه بیش از ۸ ساعت که عیناً مشاهده گردیده که به روزی ۱۷ ساعت کاری نیز میرسد.

کارگرانی که اگر بیش از توان خود و نظر کارفرما کار نکنند تسویه خواهند شد. شرکت هایی که بدون هیچ ایده جدیدی که منافع

کارگر در آن در نظر گرفته شود و



از مدیای اجتماعی

آیا سرانه بودجه معلولان معادل روزی دو تخم مرغ است؟

پوشش، سرانه روزانه کمک دولت با بودجه در نظر گرفته شده برای معلولان نزدیک به روزی ۵ هزار تومان است. به عبارتی بودجه لحاظ شده برای اجرای قانون معلولان، معادل هزینه روزانه دو عدد تخم مرغ است. «مدیرعامل انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران پرسیده است: «آیا افراد دارای معلولیت با این میزان مشکلات، با هزینه‌ای معادل قیمت ۲ عدد تخم مرغ می‌تواند زندگی کنند؟»

«علی همت محمودنژاد»، مدیرعامل انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران روز ۱۳ دی ۱۴۰۰ در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا مدعی شد: «سرانه اجرای قانون معلولان معادل روزانه ۲ تخم مرغ است.» او با بیان اینکه در بودجه سال ۱۴۰۱ رقمی معادل ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان برای حمایت از معلولان در نظر گرفته شده است، گفت: «با وجود یک میلیون و ۸۰۰ هزار معلول تحت



به تشنج آفرینی پایان دهید! به کمیته رهبری کومه له (سازمان گردستان حزب کمونیست ایران)

عینا ادامه همان ادبیات و همان رفتاری است که زمانی عبدالله مهددی علیه کومه له انجام داد و هنگام جدایی از کومه له برای امتیاز گرفتن دست به اسلحه برد.

از کمیته رهبری کومه له میخواهیم فوراً این هشدار را پس بگیرند و به این رفتارها و تشنج آفرینی ها پایان دهند. سال ۱۹۹۱ در حالیکه بیش از هزار نفر نیروی مسلح در اردوگاه های کومه له بود جریان کمونیسم کارگری نگذاشت اوضاع به دست امثال عبدالله مهددی بیفتد و بسیار متمدنانه جدایی را هدایت کرد. نه خون از دماغ کسی آمد و نه شاهد چنین ادبیاتی بودیم. برعکس در اوج همکاری با رفقایی که قصد ادامه کاری کومه له را داشتند جدایی را سازمان دادیم و در کمال صمیمیت و رفاقت اردوگاه ها را ترک کردیم و سنتی بسیار انسانی و مدرن را از خود بجا گذاشتیم. امیدواریم اینبار نیز مطابق با سنت گذشته رفتار کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ ژانویه ۲۰۲۲
(۲۰ دیمه ۱۴۰۰)



اخیراً اطلاعیه ای از طرف دبیرخانه کومه له منتشر شده و از هفت نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که عضو کومه له نیز میباشند و از خارج کشور به گردستان رفته تا در اردوگاه مستقر شوند، خواسته است که اردوگاه را ترک کنند. در غیر اینصورت مسئولیت عواقب آن به عهده خود آنان است!

استدلال دبیرخانه کومه له این است که طرفداران دبیرخانه و کمیته رهبری کومه له متشنج شده اند و قابل کنترل نیستند و ممکن است اتفاقات ناگواری بیفتد. مسئول دبیرخانه کومه له علاوه بر این پیشبینی کرده که اعضای کمیته مرکزی حزب که به اردوگاه رفته اند، اردوگاه را ترک نخواهند کرد و نتیجه اش "ایجاد تشنج در سطح تشکیلات علنی و مسلح است، تشنجی که ممکن است عوارض و عواقب ناگواری بدنبال داشته باشد" و اعلام میکند هر اتفاق ناگوار روی دهد مسئولیتش بعهد هفت نفری است که به اردوگاه رفته اند!

این نوع تهدیدات و هشدارها بسیار آشنا و معنی آن بسیار روشن است. هر سازمانی که معتقد است افراد مسلحش قابل کنترل نیستند و تحریک میشوند، عملاً با این هشدارها دارد نیروی خود را تحریک میکند و برای ایجاد تشنج و درگیری بخط میکند و سازمان میدهد. این ادبیات



اطلاعیه خبری

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفاً فرهنگیان به تجمع سراسری

ساعت ۱۰ صبح ۲۳ دیمه ۱۴۰۰

معلمان شهرهای بسیاری شرکت داشته و دامنه اش به بیش از ۱۵۰ شهر کشیده شده است. معلمان تاکید کرده اند که اگر مطالباتشان پاسخ نگیرد به اعتراضات خود ادامه خواهند داد و بر حق تجمع و اعتصاب به عنوان حق مسلم خود تاکید کرده اند.

اعتراضات معلمان علیه بودجه ریاضتی حکومت و علیه فقر و تبعیض و نابرابری و با بلند کردن پرچم آموزش رایگان برای همه کودکان مطالبات همه مردم را نمایندگی میکند. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواستها و مبارزات معلمان و فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، همه مردم خصوصاً خانواده های دانش آموزان را به شرکت وسیع در تجمعات اعتراضی معلمان فرا میخواند. با بیانیه های جمعی حمایتی، رسانه ای کردن صدای اعتراض معلمان، شرکت مستقیم در تجمعات و اعتراضات معلمان و جهانی کردن صدای اعتراضات آنان میتوان از معلمان حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دی ۱۴۰۰، ژانویه ۲۰۲۲

رایگان و با کیفیت و پایان دادن به کالایی کردن آموزش، استخدام معلمان خرید خدمات آموزشی، پرداخت پاداش پایان خدمت سالهای ۹۹ و ۱۴۰۰ و آزادی معلمان زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی، پایان دادن به اختلاس ها و شفافیت در چگونگی غارت صندوق ذخیره فرهنگیان و بازگشت منابع به این صندوق، خواستها و مطالبات فوری اعلام شده معلمان است. همچنین یک اعتراض معلمان به لایحه مصوب بودجه ریاضتی حکومت و عدم اختصاص بودجه لازم برای پاسخگویی فوری به مطالباتشان است.

این چندمین فراخوان سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان است و تشکلهای مختلف معلمان از شهرهای گوناگون همبستگی خود را با این فراخوان اعلام کرده اند. در تجمعات اعتراضی تاکنونی

در ادامه اعتراضات گسترده معلمان، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای ساعت ۱۰ صبح روز ۲۳ دیمه ۱۴۰۰ به تجمع سراسری فراخوان داده است. این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی، در مراکز استانها مقابل اداره کل استان و در شهرستانها مقابل اداره آموزش و پرورش برگزار خواهد شد.

این فراخوان در اعتراض به مصوبه ناقص رتبه بندی و عدم اجرای آن توسط دولت، عدم اجرای لایحه همسان سازی بازنشستگان، امنیتی کردن مبارزات و احضارها و بازداشتها، برگزار میشود. اجرایی شدن کامل طرح رتبه بندی و همترازی معلمان شاغل (به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی دانشگاهها برای معلمان شاغل) و همسان سازی حقوق بازنشستگان و افزایش سطح حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی اعلام شده، آموزش

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست!



تاکید کردند که تا وقتی که به خواسته‌هایشان پاسخ داده نشود، هر یکشنبه تجمع خواهند کرد.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی و بازگرداندن متوسط ۲ میلیون تومان کسرشده در اجرای همسان سازی بازنشستگان فولاد، درمان رایگان و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد و برداشته شدن هرگونه واسطه گر و درمان پولی از جمله خواسته‌های اعلام شده این بازنشستگان در تجمعات اعتراضی شان بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دی ۱۴۰۰، ۹ ژانویه ۲۰۲۲

اطلاعیه خبری یکشنبه های اعتراض: تجمع بازنشستگان فولاد در اهواز و اصفهان

- روز یکشنبه ۱۹ دیماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی صندوق بازنشستگی فولاد در اصفهان و اهواز همچون یکشنبه های قبل تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

در اصفهان بازنشستگان با شعارهای "عزا عزاست امروز، حقوق بازنشسته روی هواست امروز"، "تنگ ما، تنگ ما، صدا و سیما، ما"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، فریاد اعتراض خود را بلند کرده و بار دیگر

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91

کمیته سازمانده



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران را می‌توانید در شبکه های اجتماعی از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و به اشتراک بگذارید

این حزب شماست
به حزب خود بپیوندید

@wpi sazmandeh

www.sazmandeh-wpi.com

tamas.wpi@gmail.com

+447435562462



اطلاعیه خبری

فراخوان کانون نویسندگان به شرکت در مراسم گرامیداشت یاد بکتاش آبتین

اعلام همبستگی شورای
هماهنگی تشکلهای
صنفا فرهنگیان

بنابر اطلاعیه کانون نویسندگان مراسم خاکسپاری بکتاش آبتین شاعر و فیلمساز معترض و آزادیخواه، بدلیل فشار نیروهای امنیتی از دوشنبه ۲۰ دیماه به امروز یکشنبه ۱۹ دیماه منتقل شده است. کانون نویسندگان ایران ضمن فراخوانی به همه مردم برای شرکت در مراسم بکتاش آبتین در اطلاعیه خود چنین مینویسد: "با آن که خانواده زنده‌یاد بکتاش آبتین پیشتر اعلام کرده بود که مراسم خاکسپاری آن عزیز روز دوشنبه (۲۰ دی) برگزار خواهد شد، اکنون تحت فشار نیروهای امنیتی این تصمیم تغییر کرده و قرار است این مراسم امروز (یکشنبه ۱۹ دی ماه) ساعت ۳ در امامزاده عبدالله شهر ری برگزار شود. کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن فشار نیروهای امنیتی از شما مردم آزادی‌خواه می‌خواهد که در این مراسم شرکت کنید و خانواده‌ی داغ‌دیده‌ی بکتاش آبتین را تنها نگذارید."

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده بکتاش آبتین به خانواده وی، به اعضای کانون نویسندگان ایران و زندانیان سیاسی به ویژه معلمان دربند و همه مردم آزادیخواه ایران، حکومت را مسبب مرگ وی دانسته و بر تأمین سلامت و امنیت سایر زندانیان به ویژه معلمان زندانی هشدار هشدار داده است. در بخشی از بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان

چنین آمده است: "بکتاش آبتین در حالی قربانی سیاست‌های سرکوب و ارباب شد که شورای هماهنگی بارها نسبت به در خطر بودن جان زندانیان از جمله زندانیان سیاسی و معلمان دربند به حاکمیت هشدار داده بود اما حاکمیت بدون توجه به قوانین حقوق بشر عمل نموده، حقوق زندانیان را نادیده می‌گیرد و به زندانیان سیاسی و عقیدتی ظلم و ستم مضاعف تحمیل می‌کند. ما همواره به عنوان نماینده جمع کثیری از فرهنگیان ایران به این اعمال غیرانسانی اعتراض نموده خواهان توقف زندان تمام آزادی‌خواهان از جمله هم‌زمان بکتاش آبتین و معلمان دربند هستیم."

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ دی ۱۴۰۰، ۹ ژانویه ۲۰۲۲

در تکثیر، پخش و اشاعه ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران بکوشید!

بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان سقز و زیویه در محکومیت احکام قضایی علیه فعالین آموزش به زبان مادری و حکم صادره علیه زهرا محمدی

گلستان تک گل خواستنی نیست

نشده و همچنان شاهد آموزش اجباری کودکان ابتدایی به زبانی غیر کوردی هستیم.

در این شرایط، و با درک درست واقعیت‌های جامعه، آنچه را که وظیفه‌ی قانونی دولت و نهادهای رسمی زیر مجموعه‌ی آن است را افراد و انجمن‌های مردم‌نهاد، داوطلبانه به دوش کشیده و آنچه را که سازمان‌ها و ادارات متولی آموزش عمداً یا سهواً به ورطه‌ی فراموشی سپرده‌اند، با جان و دل پذیرفته‌اند و عملاً در اجرای قانون بدون هیچ چشم داشتی مشارکت نموده‌اند.

انجمن‌های مردم‌نهادی که #آموزش_زبان_کوردی را بر عهده گرفته‌اند هدفی جز خدمت به مردم خود و آگاهی بخشی عمومی نسبت به یادگیری زبان مادری، نداشته و ندارند اما آنچه جای حیرت و تاسف عمیق است به جای قدردانی از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان عملاً با احکام قضایی سنگین، ناعادلانه و خلاف قانون روبرو می‌شوند که نمونه آن محکومیت خانم #زهرا_محمدی به ۵ سال حبس می‌باشد.

انجمن صنفی معلمان کردستان سقز و زیویه این نوع برخوردها با فعالین #آموزش_زبان_کوردی را قویاً محکوم نموده و خواستار متوقف شدن این رویه‌ی ناروا در صدور حکم علیه #زهرا_محمدی می‌باشد.

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)

۱۴۰۰/۱۰/۱۸

از مدیای اجتماعی



کشورهایی با تنوع ملیت، قومیت فرهنگ و زبان گوناگون، به طور طبیعی در طی سالیان متمادی و به درازای تاریخ بشری، تابلویی زیبا برای نمایاندن این همه زیبایی بوده‌اند و آن‌انکه این موهبت را قدر دانسته‌اند، در استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود برای پیشرفت و آبادانی دیار خود بیشترین همراهی را از جانب قشرهای مختلف مردم، داشته‌اند. اما در صورتی که به هر دلیل یکی از گروه‌های قومی، نژادی درون یک کشور از جانب سیاست‌ورزان مورد بی‌مهری و تبعیض واقع شوند، علاوه بر محروم شدن کشور از ظرفیت و توانایی‌های بالقوه ایشان زمینه‌ی ایجاد ناراضی‌ها نیز فراهم می‌شود.

درک درست شرایط، شناخت دقیق ویژگی‌های متنوع گروه‌های مختلف شهروندان یک کشور و تلاش برای حفظ حقوق طبیعی آنان از اصلی‌ترین وظایف حاکمان است. ذوب نمودن تمامی تنوع‌ها در فرهنگ غالب و تلاش برای یک شکل درآوردن جامعه، سیاستی کاملاً شکست خورده است که پموند راه رفته چیزی جز دوری باطل عاید رهروان نمی‌نماید.

با وجود همه‌ی تاییدات علمی مبنی بر لزوم #آموزش_به_زبان_مادری (حداقل در سال‌های ابتدایی مدرسه) و همچنین نص صریح قانون اساسی در اصل ۱۵، تا کنون به دلایل مختلف و با امنیتی کردن موضوع، در طول این سال‌ها اراده‌ی جدی برای توجه به این ابتدایی‌ترین حق طبیعی ملت کورد دیده



زندانی کردن زهرا محمدی را محکوم میکنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکم پنج سال زندان تعزیری زهرا محمدی را قویاً محکوم میکند. یکی از اتهامات زهرا محمدی تدریس زبان کردی است. او قبل از رفتن به زندان خطاب به جمعیتی که در حمایت از او همراهیش کرده بودند از جمله گفت "زبان مادری یکی از بنیادی‌ترین حقوق ماست که از آن کوتاه نخواهیم آمد و انجمن ما برای به دست آوردن این حق پیشقدم شد و امیدوارم فعالیت‌های ما بر سر دشمنی که مخالف این حقوق است آوار شود".

حکومت اسلامی با اعمال تبعیض و نابرابری بر مردم کردستان عملاً هر نوع تلاش برای ایجاد تسهیلات و در دسترس بودن آموزش به زبان مادری را با سرکوب و زندان جواب میدهد. امکان آموزش و سخن گفتن و فعالیت به زبان مادری حق پایه‌ای همه مردم است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ دی ماه ۱۴۰۰
۸ ژانویه ۲۰۲۲

امروز ۱۸ دیماه زهرا محمدی یکی از معلمین و فعالین اجتماعی که به پنج سال زندان محکوم شده و به زندان احضار شده بود، برای گذران محکومیت خود راهی زندان سنندج شد. جمعیت وسیعی از دوستان و مردم سنندج و معلمان همکار او و اعضای انجمن فرهنگی اجتماعی نوژین او را تا ورودی زندان همراهی کردند.

زهرا محمدی، روز پنج‌شنبه ۲ خرداد ۹۸ (۲۳ مه ۲۰۱۹)، با هجوم نیروهای اداره اطلاعات سنندج به منزلش همراه با دو عضو دیگر انجمن نوژین بازداشت شد و روز دوشنبه ۱۱ آذر همان سال با وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی موقتاً از زندان آزاد شد. او در تیرماه سال جاری توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی سعیدی به اتهام "تشکیل گروه علیه امنیت کشور" به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد و سپس بدنبال اعتراضات این حکم به پنج سال زندان تغییر یافت.

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

چند خبر از خوزستان

غلام طیبی یکی از معترضین، به بازداشتگاه اطلاعات اهواز منتقل شد



غلام طیبی از شرکت کنندگان در اعتراضات تیرماه خوزستان از زندان بهبهان به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شد. او در تاریخ ۲۴ مهرماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و پس از مدتی به زندان بهبهان منتقل شد. طیبی ۳۲ سال دارد و از اهالی یکی از روستاهای تابع شهرستان بهبهان است. در اعتراضات مردمی در تیرماه علیه بی آبی و بی تامینی تعداد زیادی از شهروندان و اهالی این روستا بازداشت شدند. غلام طیبی باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شود و تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شدن برای معترضین خیزش تیرماه خوزستان باید مسدود گردند.

تجمع بازنشستگان فولاد در اهواز

روز یکشنبه ۱۲ دیماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد برای پیگیری مطالبات خود در اهواز همچون هفته های گذشته تجمع کردند. همزمان بازنشستگان فولاد در تهران و اصفهان نیز در این روز تجمع داشتند. این تجمعات مقابل ساختمان این صندوق در این سه شهر صورت گرفت. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی و بازگرداندن متوسط ۲

میلیون تومان کسرشده در اجرای همسان سازی بازنشستگان فولاد، درمان رایگان و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد و برداشته شدن هرگونه واسطه گر و درمان پولی از جمله خواسته های اعلام شده این بازنشستگان در تجمعات اعتراضی شان بوده است.

معترضین به مصادره زمین های کشاورزان، محکوم شدند



دادگاه تجدیدنظر خوزستان «صالح تامولی طرفی» و «عبدالله چلداوی» دو فعال فرهنگی اهل اهواز را به دلیل شرکت در اعتراضات به مصادره زمینهای کشاورزان، مجموعاً به ۸ سال حبس تعزیری محکوم کرده است. این دو نفر پیشتر در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز محاکمه و مجموعاً به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شده بودند و با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی برای صالح تامولی طرفی ۳ سال و برای عبدالله چلداوی ۵ سال حبس قابل اجرا است. بر اساس این حکم صالح تامولی طرفی به اتهام های «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم بر علیه امنیت کشور» و عبدالله چلداوی به اتهام های «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «عضویت در گروه های معاند نظام» محکوم شده اند.

صالح تامولی طرفی و عبدالله چلداوی غافلگی، پس از تجمع اهالی کوی علوی در هفدهم آذر ماه ۱۳۹۶ که در اعتراض به مصادره زمین های

کشاورزان روستای جلیزی دشت عباس در جنوب استان ایلام صورت گرفت به همراه دهها نفر دیگر از فعالین فرهنگی عرب توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت شده بودند. این چنین است که دادگاه جمهوری اسلامی در همدستی با دزدان به فعالین معترض حکم زندان میدهد. در همین رابطه صالح تامولی طرفی و «عبدالله چلداوی» چندین ماه در بازداشتگاه های اداره اطلاعات زیر شکنجه فیزیکی و روانی قرار گرفته بودند و سپس به زندان شیبان اهواز منتقل و هم اکنون با قرار وثیقه آزاد هستند.

صالح تامولی همچنین چهار بار به دلیل فعالیت های فرهنگی سابقه بازداشت و حبس داشته است. عبدالله چلداوی نیز ۹ بار به دلیل فعالیت های مدنی اش توسط ارگانهای اطلاعات سپاه و اداره اطلاعات سابقه بازداشت و حبس داشته است.

هر دوی این فعالان بعد از هجوم به رژه نیروهای مسلح در اهواز در شهریور ماه سال ۱۳۹۷ نیز همراه صدها شهروند عرب بازداشت شدند و پرونده دیگری با اتهامات امنیتی دروغین در دادگاه انقلاب دارند که حکم این پرونده هنوز صادر نشده است. احکام صادره برای صالح تامولی طرفی و «عبدالله چلداوی» باید فوراً لغو و پرونده های امنیتی آنها و همه فعالین سیاسی باید فوراً مسدود گردد.

خیابان های اهواز به زیر آب رفت

آبگرفتگی معابر و ورود آب به داخل خانه ها بعد از بارندگی به معضلی جدی برای شهروندان اهوازی تبدیل شده است. در پی بارش شدید باران در هفته گذشته، معابر و خیابان های شهر اهواز از جمله مناطق کیان، بازارچه کیان، فلکه



می شود در ۱۴۱ نقطه از شهر تجمع آب های سطحی به میزانی بوده که اهالی برای تردد و رفت آمد دچار مشکل بوده اند. با این همه مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب خوزستان در اظهارات مضحکی گفته است تنها در ۱۰ نقطه شهر با مشکل مواجه بودیم در حالی که در سال گذشته حدود ۲۰۰ نقطه آبگرفتگی داشتیم. غیر استاندارد بودن فاضلاب ها و آبگرفتگی خیابانها بر اثر هر بارندگی ای یکی از موضوعات اعتراضی در خوزستان و بسیاری از مناطق دیگر در ایران است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست

کارگری، واحد خوزستان

۱۸ دی ۱۴۰۰

۸ ژانویه ۲۰۲۲



ISNA PHOTO
Amir Obeidawi

جان بکتاش آبتین در خطر است

اعضای کانون نویسندگان و تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند



بکتاش آبتین به دلیل ابتلا به بیماری مهلک کرونا جاناش در خطر است. کانون نویسندگان ایران در بیانیه ای تحت عنوان "به قتل نویسندگان آزادیخواه پایان دهید از وضعیت وخیم او خیر داده و مینویسد: امروز وضع بکتاش آبتین سخت نگران کننده است تا جایی که او در حال جنگیدن با مرگ است و چند روزی است که پزشکان او را به کمای مصنوعی برده اند، و این یعنی آخرین تقلاها برای زنده ماندن و جستن از مرگ." کانون نویسندگان در این بیانیه ضمن محکوم کردن پرونده سازی و قتل خاموش نویسندگان آزادی خواه، حکومت جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و قوه قضاییه را مسئول مستقیم هر اتفاق ناگواری می داند که برای بکتاش آبتین رخ دهد. کانون همچنین خواهان بستن پرونده های قضایی، آزادی کامل، بی قید و شرط و فوری اعضای دربند خود و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی شده است. ما نیز همصدا با کانون نویسندگان این جنایت آشکار را شدیداً محکوم

بسر میرند. آرش گنجی یکی دیگر از اعضا کانون نویسندگان، مترجم و منشی هیئت دبیران این کانون نیز از دهم آبانماه ۱۴۰۰ برای سپری کردن ۵ سال حکم زندان خود در اوین بسر میرد. آزادی بدون قید و شرط اعضای

ضمیمه: متن کامل بیانیه کانون نویسندگان را در زیر میخوانید:



کانون نویسندگان ایران

به قتل نویسندگان آزادی خواه پایان دهید!

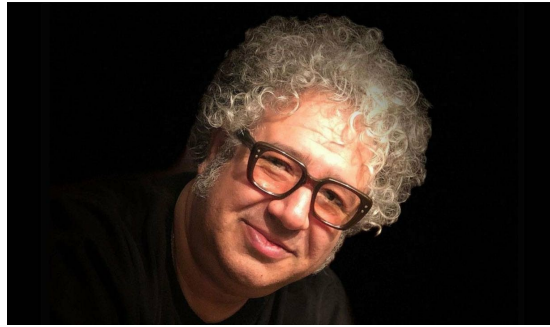
ماهی پیش باخبر شدیم که چهار نویسنده ای عضو کانون نویسندگان ایران، بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی)، کیوان باژن و آرش گنجی در زندان اوین به بیماری کرونا مبتلا شده اند. وضع دو تن از آنان، آبتین و خندان، نگران کننده بود. زندانبانان حکومت بکتاش آبتین را با وجود علائم آشکار بیماری، بی هیچ درمان موثری چندین روز میان بند و بهداری سرگردان کردند و سرانجام انتقال شبانه ای آبتین به بیمارستان، در بی خبری هم‌بندان و خانواده اش، زمانی صورت گرفت که از او تنها جسمی نیمه جان باقی مانده بود. اما مأموران حکومت دست از آزار او برنداشتند و همان جسم نیمه جان را هم در بیمارستان طالقانی تهران، با غل و زنجیر و در حضور سنگین نیروهای

تنها «خودسر» نبودند بلکه مدرسان بازجوها و زندانبانان امروز بوده اند و راه آنان همان است که تا دیروز بود؛ دیروز با کارد و طناب می کشتند و امروز با پرونده سازی، به قتلگاه بردن، رها کردن زندانی بیمار به حال خود و کشتن او با مرگی تدریجی. این سرنوشت شومی است که نه تنها برای نویسندگان زندانی بلکه برای تمامی زندانیان سیاسی از جمله زنان زندانی رقم خورده است. در ماه های گذشته زندانیانی به دلیل بیماری، عدم اعزام به موقع به بیمارستان و در سکوت خیری، قربانی سیستم سرکوبگر حکومتی شده اند که جز کشتار، ستم، فقر و فساد و خرافات حاصلی ندارد و جامعه را به ورطه ای افسردگی و نیستی می برد. حکومتی که وقتی توان تبدیل جامعه به گورستان را ندارد، به جان زندانیان سیاسی می افتد و تا می تواند انتقام شکست هایش را از مخالفان، نویسندگان، و منتقدان در بند می گیرد. حاکمان، آمران و عاملان ستمگر و سیاه کار جمهوری اسلامی به خیال خام خود با به بند کشیدن و قتل عمد و خاموش نویسندگان مستقل و آزادی خواه و زنان و مردان مبارز، به همه ی مردم معترض پیام می دهند که از اعتراض و آزادی خواهی دست بردارند. غافل از آنکه کانون نویسندگان ایران سر سوزنی از

کانون نویسندگان ایران

۱۵ دی ۱۴۰۰

حکومت جان بکتاش آبتین را گرفت



با کمال تاسف بکتاش آبتین شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران امروز ۱۸ دیماه در سن ۴۷ سالگی بدلیل ابتلا به کرونا و در واقع بدلیل زندانی بودن او و تعلل عاملدانه حکومت در اعزام او به بیمارستان درگذشت.

بکتاش آبتین در سال ۹۷ و ۹۸ در بیدادگاهی به ریاست قاضی جنایتکار حکومت، محمد مقیسه، به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور به یک سال حبس تعزیری و ۵ سال حبس محکوم شد و از پنجم ۵ مهرماه ۱۴۰۰ در اوین زندانی شد. همراه با بکتاش آبتین رضا خندان مهابادی و کیوان باژن دو عضو دیگر کانون نویسندگان نیز به اتهامات مشابه دستگیر شدند. رضا خندان به شش سال و کیوان باژن به سه سال و نیم زندان محکوم شدند. آرش گنجی عضو دیگر کانون نویسندگان نیز بعدا دستگیر و زندانی شد.

زندانیان سیاسی و عقیدتی است.» در واقع ده روز حیاتی ابتدای بیماری را حکومت عاملدانه تلف کرد و جان بکتاش آبتین را گرفت.

در بیانیه کانون نویسندگان همچنین گفته شده بود که قاتلان محمدجعفر پوینده و محمد مختاری نه تنها «خودسر» نبودند بلکه مدرسان بازجوها و زندانبانان امروز بوده‌اند و راه آنان همان است که تا دیروز بود؛ دیروز با کارد و طناب می‌کشتند و امروز با پرونده‌سازی، به قتلگاه بردن، رها کردن زندانی بیمار به حال خود و کشتن او با مرگی تدریجی. این سرنوشت شومی است که نه تنها برای نویسندگان زندانی بلکه برای همه‌ی زندانیان سیاسی از جمله زنان زندانی رقم خورده است.

حزب کمونیست کارگری درگذشت بکتاش آبتین عزیز را به خانواده و دوستان و بستگان او، به کانون نویسندگان ایران و به همه مردم آزاده صمیمانه تسلیت میگوید.

آنچه بر بکتاش آبتین گذشت نمونه دیگری از توحش حکومت اسلامی است که با برآمد جنبش سرنگونی از همه

طرف تحت فشار مردم معترض قرار گرفته است. امروز همزمان با درگذشت این هنرمند آزاده و معترض، خانواده های جانباختگان هوپیمای اوکراینی در فرودگاه تهران و محل سقوط هوپایما مراسم گرفتند و اعلام کردند که مسبب جنایت هولناک و تاریخی به موشک بستن هوپیمای مسافربری را محاکمه خواهیم کرد. مرگ بکتاش آبتین نیز به کارنامه سراپا جنایت حکومت و سران قاتل و مفتخور حکومت اضافه شد.

امروز مردم ایران یکپارچه خواهان محاکمه سران حکومت به جرم ۴۳ سال جنایت و سرنگونی این حکومت هستند. بکتاش آبتین را از دست دادیم. با گسترش مبارزه جان بقیه زندانیان را باید نجات دهیم. رضا خندان (مهابادی) که برای درمان کرونا به مرخصی اعزام شده و کیوان باژن و آرش گنجی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

نه میبخشیم نه فراموش میکنیم
گرامی باد یاد عزیز بکتاش آبتین

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ دی ۱۴۰۰، ۸ ژانویه ۲۰۲۲

برای پیگیری درمان او بی نتیجه بود، و این وجه دیگری از برخورد عاملدانه حکومت بود که یگراست جان او را نشانه گرفته بود. سرانجام زندانبانان زمانی به او مرخصی دادند که ریه‌هایش درگیر بیماری شده و سلامتش سخت به وخامت گراییده بود و روزها، ساعت‌ها و چه بسا لحظه‌های ابتدایی مراقبت پزشکی که دوره حیاتی درمان است یکسر از دست رفته بود. کانون نویسندگان، پرونده‌سازی و قتل خاموش نویسندگان آزادی‌خواه را محکوم می‌کند، حکومت جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و قوه قضاییه آن را مسئول مستقیم هر اتفاق ناگواری می‌داند که برای بکتاش آبتین رخ دهد. کانون خواهان بستن پرونده‌های قضایی، آزادی کامل، بی قید و شرط و فوری اعضای دربند خود و دیگر

کانون نویسندگان در بیانیه ای که روز ۱۵ دیماه منتشر کرد گفته بود: «زندانبانان حکومت بکتاش آبتین را با وجود علانم آشکار بیماری، بی هیچ درمان موثری چندین روز میان بند و بهداری سرگردان کردند و سرانجام انتقال شبانه آبتین به بیمارستان، در بی‌خبری هم‌بندان و خانواده‌اش، زمانی صورت گرفت که از او تنها جسمی نیمه‌جان باقی مانده بود. اما مأموران حکومت دست از آزار او برنداشتند و همان جسم نیمه‌جان را هم در بیمارستان طالقانی تهران، با غل و زنجیر و در حضور سنگین نیروهای امنیتی، به تخت بستند. بی‌خبری از آبتین در این وضعیت هم چندین روز ادامه داشت. کوشش اولیه خانواده و وکیل بکتاش برای گرفتن مرخصی استعلاجی از زندان

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های

زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این تجمعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!